

مقایسه مشکلات آموزش بالینی از دیدگاه مربیان و دانشجویان پرستاری سال آخر

ویژگیهای آرمانی جامعه مورد نظر اعمال می شود. آنچه مسلم است هر جریان یادگیری، انسانی را می پرورد که باید روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را بسازند و نتایج یادگیری خود را در معادلات آینده جامعه بکار بندند. در این صورت و وظیفه مؤسسات آموزشی؛ ایجاد فضای تجربی مناسب برای انسانهایی است که باید در آن روابط کار ساز گردند. به مفهومی دیگر بین کارسازی انسان جامعه فردا و کیفیت و کمیت یادگیری امروز او رابطه ای علت و معلولی وجود دارد. در این راستا؛ اگر سلامتی جامعه را در گرو کیفیت خدمات پرستاری و نقش آن در امر پیشگیری و آموزش بهداشت بدانیم با توجه به نقش مهم پرستار در این رابطه و با تأکید بر اینکه برای آموزش این فرد احتیاج به یک سیستم منظم علمی و حرفه ای میباشد؛ جایگاه و اهمیت ویژه آموزش بالینی مشخص میگردد بطوری که پروفیسور والکر و لانتز (۱۹۹۲) مینویسند: پرستاری و آموزش پرستاری به دلیل نیاز جامعه بوجود آمده است و رفع این نیاز از طریق پیاده نمودن خدمات در عمل به وقوع می پیوندد. علیرغم این اعتقاد؛ این حقیقت وجود دارد که در دستیابی به اهداف آموزش بالینی مشکلاتی وجود دارد. چنانچه مایریک (۱۹۹۱) در اشاره به مشکلات آموزش بالینی در پرستاری می نویسد: با وجودی که کادر آموزشی و خدمات پرستاری برای اصلاح مشکلات تلاش میکنند ولی تاکنون پیشرفت کمتری دیده شده است.

تغییرات اجتماعی، پیشرفت علم و تکنیک، رشد جمعیت و رشد آگاهیهای بهداشتی درماني مردم پیچیدگی روابط و مشکلات جدیدی را بوجود آورده است و اکثر مشکلات آموزشی بخصوص در زمینه امور بالینی؛ ناشی از همین تغییرات است بطوری که نقشها

پژوهشگر: اکرم براهیمی کارشناس ارشد پرستاری کودکان.

استاد راهنما: خانم صدیقه سالمی عضو هیأت علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران.

استاد مشاور: خانم آسیه سلحشوریان فرد عضو هیأت علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران.

استاد آمار: آقای دکتر محمود محمودی عضو هیأت علمی دانشکده بهداشت دانشگاه تهران.

چکیده

در یک مطالعه زمینه ای دیدگاههای ۳۶ مربی و ۷۶ دانشجوی پرستاری سال آخر در رابطه با مشکلات آموزش بالینی از طریق پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد هر دو گروه با مشکلاتی روبرو بوده اما یافته چشمگیر اینکه اکثریت هر دو گروه، در عدم حمایت از مربی / دانشجو در موقعیت اجتماعی و آموزشی بطور جدی با مشکل روبرو بوده اند. یافته ها نشان داد الگوی آموزش بالینی ونحوه کاربرد آن بطور پراکنده و ناشناخته ای شکل گرفته است. همچنین اکثریت گروه دانشجو، اهداف و خط مشی آموزش بالینی را مبهم داشته اند. آزمون کای دو نشان داد دو گروه در ۷۰ درصد مشکلات مطرح شده، نظرات مشابه دارند. پژوهشگر جهت حل مشکلات، «طراحی سیستماتیک در آموزش بالینی» را مطرح نموده است.

زمینه پژوهش:

آموزش و پرورش هر جامعه، نمودی از فلسفه اجتماعی و نظامی است که در تربیت انسانهایی با

را تشکیل داد که نظرات ۳۶ مربی از کل جامعه ۷۰ نفری مربیان پرستاری و ۷۶ دانشجو از کل جامعه ۲۱۵ نفری دانشجویان پرستاری سال آخر بطور تصادفی مورد بررسی قرار گرفت. مربیان پرستاری از کلیه گروههای آموزش پرستاری با داشتن حداقل ۱ سال تجربه آموزش بالینی در دانشکده پرستاری - مامائی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان برای شرکت در پژوهش در نظر گرفته شدند. همچنین دانشجویان پرستاری سال آخر (ترم ۷ و ۸) و در مقطع کارشناسی پیوسته برای شرکت در پژوهش منظور گردیدند. دلیل انتخاب این محیط تمرکز واحدهای مورد پژوهش در آن بود. داده ها از طریق پرسشنامه ای که براساس اهداف پژوهش تنظیم گردیده بود جمع آوری شد. در این پرسشنامه ۱۲۸ متغیر در زمینه آموزش بالینی از دیدگاه واحدهای مورد پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. اعتبار و اعتماد علمی پرسشنامه از طریق اعتبار محتوی و آزمون مجدد مورد سنجش قرار گرفت.

روش تجزیه و تحلیل داده ها:

این پژوهش؛ دو گروهی، یک مرحله ای و چند متغیری بوده و داده های آن کمی و کیفی از نوع گسسته و برحسب مقیاس سنجش؛ نوع داده ها اسمی است. مشکلات آموزش بالینی؛ متغیر مستقل و دیدگاه مربیان و دانشجویان پرستاری سال آخر؛ متغیر وابسته منظور گردید.

داده های حاصل بصورت جداول رسم گردید. در تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و استنباطی از قبیل میانگین، انحراف معیار، آزمون کای دو و آزمون دقیق فیشر استفاده گردید که قسمتهائی از آن از طریق سیستم کامپیوتری «دی اس اس» صورت گرفت.

نتیجه گیری نهائی از یافته ها:

یافته های پژوهش نشان داد هر دو گروه با مشکلاتی روبرو بوده اما یافته های چشمگیر اینکه؛ اکثریت هر

و دیدگاههای متعددی را در پرستاری بوجود آورده و تفکیک و وظائف با مشکل روبرو گردیده است. لهدا؛ پژوهشگر اعتقاد دارد با بررسی مشکلات در زمینه ثبات و همواری خط مشی و آغاز تدابیر لازم در طراحی سیستماتیک براساس آن؛ میتوان وضعیتی قابل کنترل بوجود آورد و از بروز بسیاری از مشکلات در آموزش بالینی پیشگیری نمود.

چهارچوب پنداشتی:

چهارچوب پنداشتی این پژوهش براساس مفهوم آموزش بالینی پایه ریزی شده است که در قالب توصیف آموزش بالینی، اهداف آموزش بالینی و عوامل مؤثر در آموزش بالینی تنظیم گردیده است.

اهداف پژوهش:

در این پژوهش؛ اهداف از قبیل: تعیین مشخصات فردی، تعیین و مقایسه مشکلات آموزش بالینی در رابطه با مواردی از جمله: ایفاء نقش، عوامل بوجود آورنده اضطراب، تمرین پیش بالینی، خودپنداری حرفه ای و اعتماد به نفس، عوامل محیطی، الگوهای آموزش بالینی، کاربرد اصول نظری در عمل، ارزشیابی بالینی و خط مشی آموزش بالینی از دیدگاه مربیان و دانشجویان پرستاری سال آخر در دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان منظور گردید.

سوالات پژوهش:

- دیدگاه مربیان و دانشجویان پرستاری سال آخر در مورد مشکلات آموزش بالینی چه تفاوتی دارد؟
- دیدگاه مربیان و دانشجویان پرستاری سال آخر در مورد مشکلات آموزش بالینی چه تشابهاتی دارد؟

روش پژوهش:

پژوهش از نوع زمینه ای است. کل مربیان و دانشجویان سال آخر پرستاری دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان؛ جامعه پژوهش

دو گروه؛ عدم حمایت از مربی / دانشجو در موقعیت اجتماعی و آموزشی را از عوامل بوجود آورنده اضطراب و اختلال در خودپنداری حرفه ای و اعتماد به نفس دانسته و بطور جدی؛ با مشکل روبرو بوده اند. اکثریت هر دو گروه؛ در محیط بالینی با تنیدگی مواجه بوده و علاوه بر این، درصد بالائی از گروه دانشجو؛ توانائی خود را در سطح «خسته» ارزیابی نمودند. یافته ها بیانگر این بود که اکثریت گروه مربی در رابطه با توجیه ناکافی دانشجویان در مورد حرفه پرستاری، نداشتن امکانات و تسهیلات آموزشی و مراقبتی مورد نیاز به حد کافی در محیط بالینی و نارسائی در مطابقت فرم ارزشیابی با یادگیری های ویژه در بخش بالینی مربوطه، با مشکل روبرو بوده اند. همچنین اکثریت گروه دانشجو در موارد تعداد زیاد دانشجو در اتاق تمرین بالینی، نداشتن امکانات رفاهی مورد نیاز در محیط بالینی و سیستمهای ارزشی (معیاری) متفاوت مربیان در ارزشیابی بالینی، با مشکل مواجه بوده اند. یافته ها نشان داد الگوهای آموزش بالینی و نحوه کاربرد آن بطور پراکنده و ناشناخته ای شکل گرفته است. همچنین اکثریت گروه دانشجو؛ اهداف و خط مشی آموزش بالینی را مبهم دانسته اند.

بطور کلی آزمون کای دو نشان داد در ۳۰ درصد مشکلات مطرح شده؛ نظرات متفاوت بوده و عبارتی در ۷۰ درصد دیگر؛ مشکلات مشابه بوده است.

پیشنهادات برای کاربرد یافته ها:

چون تعدادی از مربیان؛ بدون سابقه کار بالینی بوده و دانشجویان در این رابطه، شدیداً اظهار نگرانی نموده اند لذا توصیه میگردد مشخصه سابقه کار بالینی در ضوابط گزینش مربی مورد توجه و بررسی قرار گیرد. با توجه به اینکه تحقیقات؛ تأثیر کار بالینی فوق برنامه دانشجویان را بر پیشرفت مهارتهای روان - حرکتی و علمی آنان مثبت نشان داده است و از طرفی؛

اقلیت گروه دانشجو در این مطالعه شاغل بوده اند توصیه میگردد با در نظر داشتن شرایط مناسب جهت اشتغال به کار؛ دانشجویان در انجام کار بالینی فوق برنامه آموزشی مورد تشویق قرار گیرند.

به دلیل اینکه اکثریت هر دو گروه در مورد عدم حمایت از مربی/دانشجو در موقعیت اجتماعی و آموزشی با مشکل روبرو بوده اند پیشنهاد میشود با تشکیل کمیته بررسی حقوق اجتماعی و آموزشی برای شاغلین حرفه پرستاری، حقوق و امتیازات خاص اشتغال در این حرفه در مقایسه با سایر رشته ها مورد بازنگری قرار گیرد.

با توجه به اینکه تعداد کثیری از دو گروه در طول تجارب آموزشی/یادگیری بالینی با تنیدگی و عوامل تنیدگی مواجه بوده اند این یافته در اتخاذ تدابیر لازم برای شناخت و پیشگیری از بروز عوامل تنیدگی آور در محیطهای بالینی کاربرد دارد.

با توجه به نتایج تحقیقات در اهمیت و نقش تمرین پیش بالینی در کاهش اضطراب و تأثیر آن در پیشرفت مهارتهای روان - حرکتی و افزایش اعتماد به نفس دانشجو و با توجه به یافته پژوهش؛ مبنی بر «نداشتن امکانات و تسهیلات آموزشی و مراقبتی مورد نیاز به حد کافی» بنظر میرسد با سرمایه گذاری در توسعه اتاقهای فن عملی و برنامه ریزی سیستماتیک در کاربرد آن؛ مشکلات در این زمینه کاهش پیدا کند. بنابراین؛ پیشنهاد میشود با اختصاصی کردن اتاقهای فن عملی و ایجاد نمایشگاهی از امکانات، تجهیزات و ویژگیهای ساختمانی بخش مربوطه (اتاق عمل - نوزادان) برای کلیه دروس اعم از پرستاری داخلی - جراحی، کودکان و نوزادان، زنان و مامائی، بهداشت و اتاق عمل؛ این امکان فراهم شود تا دانشجو؛ حتی المقدور آنچه را در درس نظری مطالعه نموده بطور عینی ملاحظه و با الگوهای صحیح آشنائی پیدا کند و همزمان با این تحول در محیطهای بالینی با مداوم نمودن آموزش ضمن خدمت؛ عادات غلط حاکم بر محیط از بین برود.

منابع:

1. Kelly, Brigid. " The professional self-concepts of nursing undergraduates and their perceptions of influential forces". Journal of nursing education . march 1992, Vol.31, No.3, pp: 121-124
2. Myrick, Florence. " The plight of clinical teaching in baccalaureat nursing education".Journal of nursing education . January 1991, Vol. 30, No.1, pp: 44-46.
3. Walker, Carolyn. Lantz, John. " nursing education and service collaborate on graduate curriculum development" . nurse educator . January february 1992, Vol.17, No.1, pp: 20-23

از آنجا که تعدادی از پاسخگویان در دو گروه اعتقاد دارند « نارسائی در کمیت عنوان دروس تدوین شده » (محدود بودن فهرست مطالب) وجود دارد پیشنهاد می‌گردد رئوس دروس براساس آنچه در عملکرد از فراگیران انتظار می‌رود مورد بازنگری قرار گیرد.

چنانچه قبلاً نیز اشاره شد یافته‌های پژوهش نشان داد آشنائی چندان قابل ملاحظه‌ای با الگوهای آموزش بالینی و نحوه کاربرد آن وجود ندارد. از طرفی مطالعات نشانگر آن است که کاربرد الگوها در موقعیتهای گوناگون؛ نیاز به افراد متخصص و ماهر در آموزش پرستاری دارد لذا؛ پیشنهاد میشود امکان ادامه تحصیل واجدین شرایط در دوره‌های تخصصی آموزشی برای اعضاء هیأت علمی ذیصلاح میسر گردد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که اکثریت گروه دانشجو در صراحت و روشن بودن اهداف (خط مشی) آموزش بالینی با مشکل مواجه بوده و از طرفی؛ نظرات نیمی از واحدهای مورد پژوهش در هر دو گروه؛ بیانگر وجود عوامل مشکل‌زا در ثبات و همواری خط مشی آموزش بالینی است. پژوهشگر با توجه به تجارب شخصی و یافته‌های حاصل اساس بسیاری از مشکلات را در ابهام و عدم صراحت خط مشی آموزش بالینی میداند و نهایتاً برای حل مشکلات آموزش بالینی پیشنهاد خود را تحت عنوان « طراحی سیستماتیک در آموزش بالینی » مطرح مینماید و اعتقاد دارد با روشن نمودن استراتژی آموزش بالینی بطور دقیق و صریح و طراحی سیستماتیک مطابق با خط مشی تعیین شده از بروز مشکلات؛ پیشگیری شده و سطح کیفی آموزش بالینی ارتقاء مییابد.

Compare the Clinical education problems Viewed by nursing instructors and senior nursing students

(by: Akram Barahimy).

A survey was made to compare the clinical education problems viewed by nursing instructors and senior nursing students in nursing-midwifery colleges affiliated to the faculty of medicine in Isfahan (IRAN, 1994).

The purposes of this study were to determine the demographic characteristics of the subject further the clinical instructors' and the students' views regarding problems they felt in clinic education areas.

The population of the study were all of the clinical instructors and senior nursing students in the Nursing-Midwifery College of Isfahan University, of which 36 instructors and 76 students (a total) 112) were selected sequentially as the sample of this study.

A questionnaire was constructed to cover the purposes of the study, that consisted of 10 sections covering information on demographic characteristics of the subjects and problems related to different aspects of clinical education like role responsibility and fulfillment, anxiety provoking factors, pre-clinical practice, self concept, self esteem, environmental factors, application of clinical learning models and putting theoretical basis into clinical education, evaluation and learning strategies. The final part of the questionnaire was left open for comments and suggestions coming from the respondents. The findings were presented in 24

tables, both descriptive and inferal statistics were employed. The findings revealed the following:

Most of the subjects in the instructor and student groups were respectively between 35-39 and 20-24 years age group. They were females, most of the instructors were married, had a B.S, degree in nursing. some had previous clinical experience of less than three years and almost and equal number had that of 7-10 years. Their teaching experience was 1-3 years and they were employed on full-time basis.

Coming to problems related to clinical learning both groups said they faced problems in

employing scientific methods to practice. Lack of sufficient facilities in teaching institution were also blamed for problems hindering the application of adequate and proper care to the patients.

The majority of both groups pointed to another interesting finding, that was lack of social and educational support which provoked anxiety and produced low self-esteem and impaired their self concept. Both groups had been experiencing stress during their clinical teaching learning period; Although both groups said they were able and quite acquainted with scientific basis in nursing practice and patient care and a notable number said they were able 3!1d had the energy to continue and remain in the profession and practice teaching (or continue learning) yet a good number of the students evaluated themselves as tired of such activities.

The majority of the instructors felt the students had not yet been well informed about nursing profession, they also stated that evaluation forms did not contain all those particular items that need to be considered in clinical area.

Most of the students felt pre-clinical practice area was quite crowded, they also said the equipments in that area were not sufficient to cover their clinical learning needs. They complained of discrepancies in evaluation criteria.

As expected, most of the instructors agreed that the learner must have chances to use critical thinking, and they were in favor of promoting such behavior, at the same time the students showed interest in clinical campus learning, where critical thinking might be promoted and better learning achieved. But the findings showed that clinical teaching/learning models and context were sparsely employed and their application sounded ambiguous.

To correlate the findings X² statistical test was employed and in 30% of the problems significant difference was found between the views in the two groups. In other words both had similar problems in 70% of the issues.

Based on these findings the researcher recommended certain measures for implementation for promoting the quality of clinical teaching and prevention of undesirable circumstances Suggestions.

for further research were also made.